

پانزده تلگراف از امین السلطان

کیومرث محمودی

میرزا علی اصغر خان امین السلطان (اتابک اعظم) معروف‌تر از آن است که احتیاج به معرفی داشته باشد، ولی شرح برخی از وقایع زندگی وی در این گفتار مناسب است.

خُلقیات

زنده یاد استاد ایرج افشار درباره اتابک، در مجله راهنمای کتاب سال دهم شهریور ۱۳۴۶ شماره سوم صفحه ۱۳۴۹ (در انتقاد از کتاب اسناد سیاسی دوران قاجاریه تألیف ابراهیم صفائی) می‌نویسد: «کسی که یک دور و به دیده موشکاف این اسناد را مرور کند و با نحوه قضاوت و انصاف مؤلف در جزوات رهبران مشروطه آشنا باشد خوب در می‌یابد که مقصود از نشر این اسناد فقط و فقط نشان دادن شخصیت قابل مطالعه و اهمیت اتابک در دوران ناصرالدین شاه و آزادیخواه ساختن او در عصر مشروطیت است، و بی‌تناسب نیست روشی را که ایشان درباره تاریخ دوران مشروطه پیش گرفته‌اند به اتابکوفیلی تأویل کرد، ورنه محقق بی‌طرف تاریخ ایران چگونه خود را مجاز می‌داند که قرار داد انحصار دخانیات مشهور به رژی را در لفافه عبارات و کلماتی از این نوع: حقوق زارع و فروشنده توتون هم به صورت مطلوبی تأمین گردیده به بازرگانان توتون و تنباکو نیز حق داده شده بود در ظرف شش ماه با کمپانی شریک شده و از سهام کمپانی خریداری نماید یا نمایندگی کمپانی را بپذیرند» (ص ۷) درست بشمارد و تلویحاً مردانگی مردمی را که در مقابل خارجی قدعلم کردند و نخستین مقاومت سیاسی و وطن دوستی را در دوران استبداد ناصرالدین شاه و اتابک نشان دادند عمل نادرستی قلمداد کند. و نیز در صفحه ۱۹۴ با عبارتی دلسوزانه فسخ قرارداد را موجب خسارات معنوی و سلب اعتماد سرمایه داران اروپائی از ایران بدانند! و روشن‌تر از همه موارد که طرفداری ایشان را از قرارداد بی‌معنی و زیان خیز نشان می‌دهد این عبارت است: «و در آن هنگامه زیان

خیز که به اعتبار سیاسی ایران لطمه‌ای سخت وارد آمد». راستی جای تعجب است که ایشان آنچه را به عقیده خود ایرانیان و دیگران مایه فخر و نخستین مقاومت ملی و سیاسی است «زیان خیز» دانسته اعتبار سیاسی ایران را در اجرا شدن قرارداد قرار داده‌اند!

این اسناد خود گواه است بر آنکه آقای صفائی بر قسمتی از اسناد بازمانده از اتابک دست یافته‌اند، ولی چون ارادت خاصی و قابل احترامی به آن مرد جسور کارگردان دارند از لابلای خرمن اسناد خوشه‌هایی را انتخاب کرده‌اند که گندمش پاک و بی‌آفت و قابل آرد شدن و نشاسته کردن و حلوا پختن است. مردی به قدرت اتابک در مدت نزدیک سی و پنج سال که ایران مدار بود مخالفان و مُعاندان بسیار داشت که به او مکاتیب تند و تیز ناسزا آمیز فراوان نوشته‌اند.

پرفسور ادوارد براون در کتاب انقلاب ایران (ترجمه احمد پژوه) درباره او می‌نویسد: «امین‌السلطان مردی با ادب، خشخوی، در چاره‌جویی و انجام نقشه خود بسی زیرک و ماهر و در استتار سوء نیت خود بسیار تودار و با احتیاط بود».

مه‌دیقلی هدایت (مخبر السلطنه) در صفحه ۱۵۸ کتاب خاطرات و خطرات نوشته: «اتابک مردی کریم النفس، بلند همت، با نطق و قلم، مدبر و سیاست شناس بود»

لُرد کرزن در جلد اول کتاب ایران و قضیه ایران (ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی) صفحه ۴۲۶ درباره اتابک نوشته: «امین‌السلطان صدراعظم بزرگترین وزیران پادشاه ایران است و با اینکه ۳۴ سال از عمرش می‌گذرد قسمت مهم امور سیاسی و غیره بدست او اداره می‌گردد».

در مقابل تعاریف برخی از نویسندگان از اتابک، دوستعلی خان معیرالممالک در کتاب رجال عصر ناصری صفحه ۱۹۹ می‌نویسد: «رفته رفته صدراعظم را غرور و تکبری از حد برون فرا گرفت و تغییراتی ناخوش در رفتار و گفتارش پدید آمد تا آنجا که نزدیک‌ترین کسانی از او سخت رنجیدند. بغفلت جای خویش را در دل دوستان از دست داد و در معنا بی‌هوا خواه و بدون مدافع ماند».

- سیاست خارجی

مه‌دی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران، جلد دوم، صفحه ۴۰۹ می‌نویسد:

«امین‌السلطان در اوائل امر هوا خواه انگلیسی‌ها بود و این هوا خواهی در ترقیات و استحکام مبانی کارش دخالت تام داشت لکنی از سال ۱۳۰۸ ق. یعنی پس از رویدادهای رژی^۲ (انحصار دخانیات) که امتیاز

۱. مرحوم استاد مجتبی مینوی در مجله راهنمای کتاب س ۲۰، ش ۲ و ۱، می ۱۰۲ می‌نویسد: احمد پژوه که انقلاب مشروطیت ایران را ترجمه کرده. این ترجمه هم از نوع همان ترجمه‌ای است که گفتیم: ترجمه‌هایی از روی نفهمی. ۲. میرزا محمود خان مشاورالملک جد نگارنده این سطور در زمان واقعه رژی ژنرال کنسول ایران در بغداد بود و از طرف امین‌السلطان مأموریت یافت که به سامرا رفته و با میرزای شیرازی ملاقات و درباره تحریم تنباکو صحبت کند که شرح آن در کتب تاریخ معاصر ثبت است. اینجانب رونوشت نامه مشاورالملک (که در زمان واقعه رژی ملقب به مشیرالوزاره بود) به امین‌السلطان را داشتم و به استاد ایرج افشار عرض کرده بودم که چنین نامه‌ای را دارم آن

آن در سال ۱۸۹۰م (۱۳۰۷ق) به انگلیسی‌ها داده شده بود و منتهی بالغاء آن در سال ۱۸۹۲م (۱۳۰۹ هـ.ق) گردید چون در این کار موفقیتی نصیب روسها شده بود از این جهت امین‌السلطان و همچنین ناصرالدین شاه رویه سابق خود را که هواخواهی از انگلستان باشد به کلی تغییر روش داده و در سال ۱۳۰۹ به طرف روسها متمایل شدند و این تمایل سرانجام به بهای کشته شدن هر دو نفر تمام، و هر دوی آنها یکی پس از دیگری به فاصله چند سالی از بین برده شدند.

دکتر فوریه طیب مخصوص ناصرالدین شاه پیش از اینکه امین‌السلطان متمایل به روسها شود راجع به وی در کتاب سه سال در دربار ایران می‌نویسد: «امین‌السلطان که نوکر سیاست انگلیس است...» و بعد از وقایع رژی که متمایل به روسها می‌شود، راجع به امین‌السلطان چنین گوید: «شک نیست که در این رویداد روسها دست زیادی داشته‌اند چه کشمکش بین روس و انگلیس در ایران مستمر است این دفعه روسها بیش از حدود به آرزوی خود کامیاب گشتند زیرا امین‌السلطان همینکه دریافتی سیاستی را که تا کنون تعقیب می‌کرده محکوم است برای جلوگیری از سقوط خود با زرنگی و هوش سرشارش در محیط حسن تفاهم با آنها وارد شد، سیاست پیشین را تغییر داد در همان روز صدراعظم نتیجه مطلوبه را از بیانات خود با سفیر روس دائر بر اینکه امیدوار است با استرداد امتیاز تنباکو آرامش کشور تضمین گردد گرفت.

- سیاست داخلی

مهدی بامداد در شرح حال رجال ایران ج ۲ ص ۳۹۱ می‌نویسد:

«امین‌السلطان مانند پدرش نقطه ضعف ناصرالدین شاه را به خوبی درک کرده بود و برای اینکه شاه را کاملاً به طرف خود جلب نموده و او را همیشه از خود راضی نگه دارد مرتباً پول‌هایی به عنوان پیش‌کشی و یا چیزهای دیگر که شاه به آنها خیلی میل داشت به او می‌رساند بعضی اوقات به قدری بی‌اعتناء به رجال و حتی به شاه می‌شده که مافوق نداشته و علناً در حضور مردم به آنان ناسزا می‌گفته است.»

احمدخان ملک ساسانی در کتاب سیاستگران دوره قاجار، جلد دوم، از صفحه ۱۴۰ تا ۳۳۱ آن کتاب را به شرح امین‌السلطان اختصاص داده است و از دو کتاب خواب‌نامه یا خلسه اعتماد السلطنه و خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین‌الدوله استفاده نموده و درباره قتل اتابک می‌نویسد: «... دشمنی انجمن آذربایجان با امین‌السلطان اظهار من الشمس است رئیس این انجمن سید حسن تقی زاده در وقتی که امین‌السلطان در راه مراجعت به ایران بود هنوز به تهران نرسیده بود در مجلس شورا علنی گفته بود: از همه خائن‌تر امین‌السلطان است و لقب واقعی او باید خائن‌السلطان باشد.»

مرحوم فتوکچی آن را از من خواستند، که تقدیم نمودم و ایشان آن نامه را در مجله کلک شماره ۷۰-۶۸ در بخش تازه‌ها و پاره‌های ایران شناسی چاپ و منتشر نمودند.

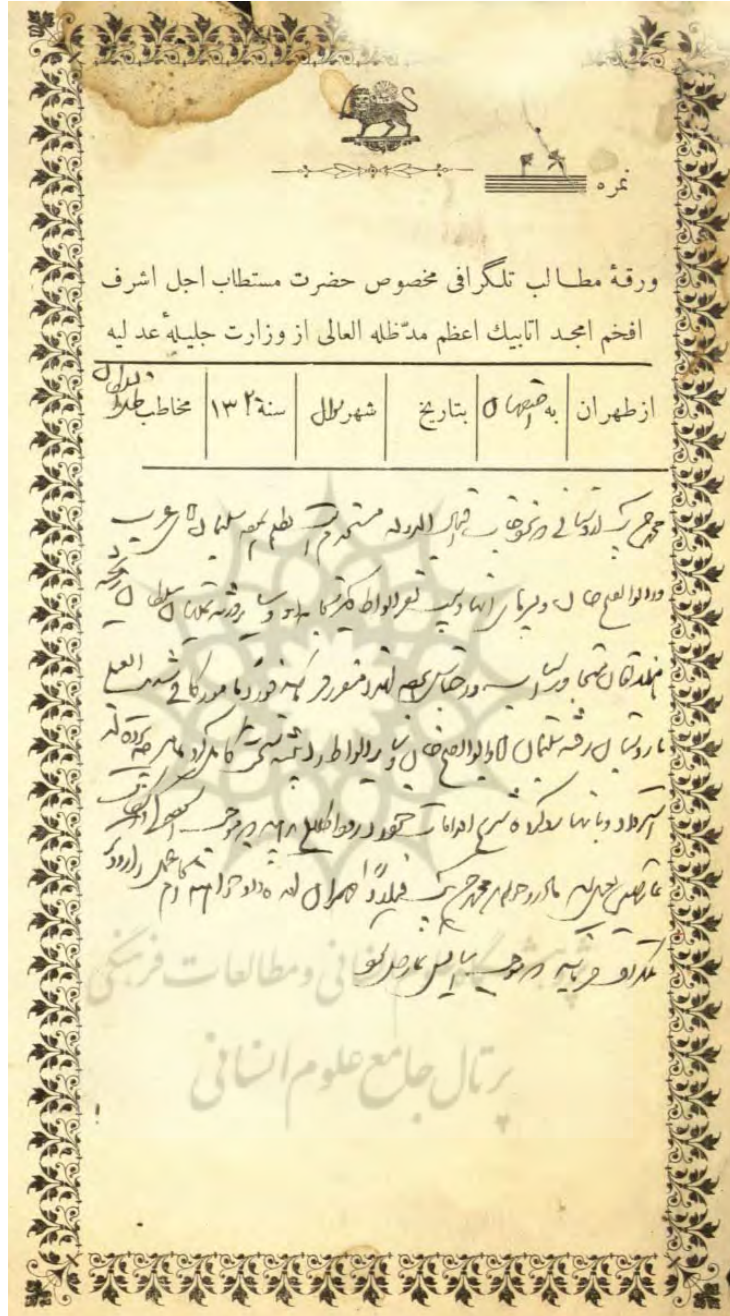
مشخصات مشترک پانزده تلگراف:

هر پانزده تلگراف در برگه‌ای با فرمت یکسان نوشته شده است که بالای آن نشان شیر و خورشید با شمشیر آمده، و در ذیل آن نشان جای نمره تلگراف حک شده است ابعاد برگه ۲۲×۱۳، است. در دو سطر بالای برگه، این نوشته مذکور است: *ورقه مطالب تلگرافی مخصوص حضرت مستطاب اجل اشرف افخم امجد اتابیک اعظم مدظله العالی از وزارت جلیله عدلیه.*

پس از آن کادری قرار گرفته که در آن نام مبدا تلگراف، نام مقصد، تاریخ ماه و سال و مخاطب تلگراف ذکر شده است. پایین کادر هم متن تلگراف مکتوب گردیده است.

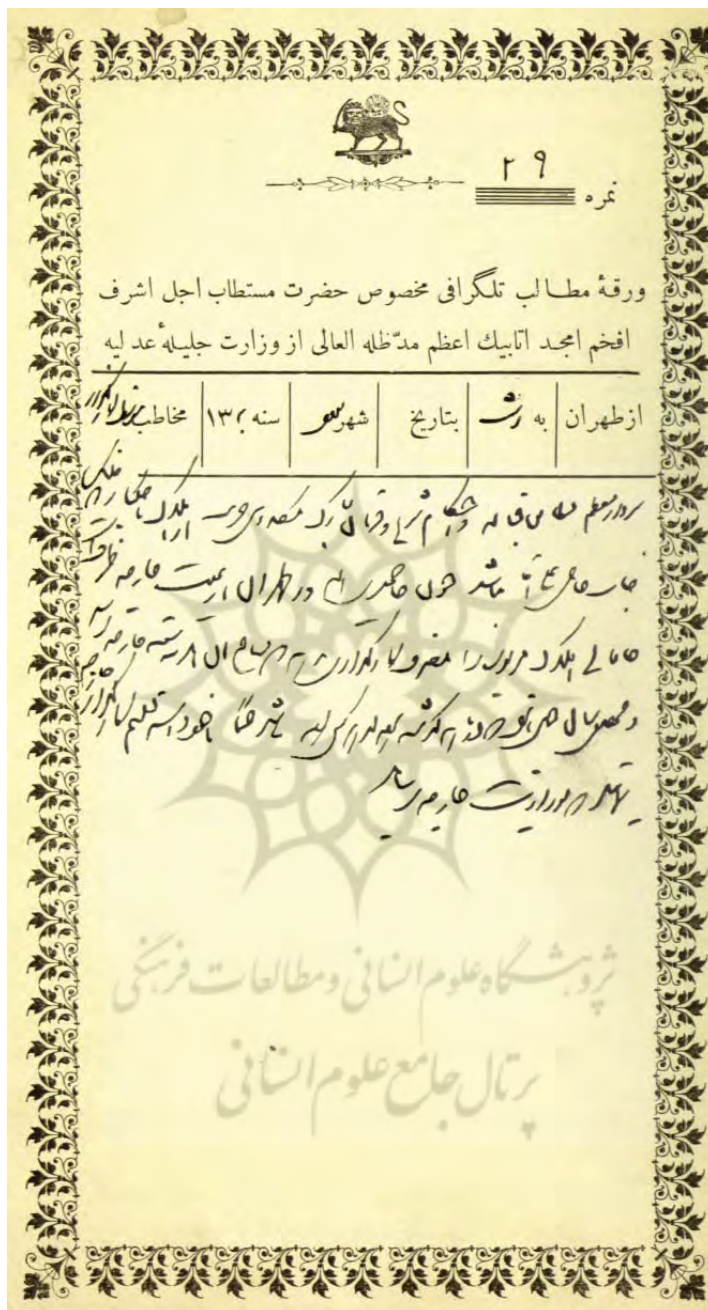
در ادامه مقاله، تصویر پانزده تلگراف اتابک اعظم امین‌السلطان آمده است تا پژوهشگران بتوانند از لابلای آن با نثر دیوانی اتابک، شیوه مدیریتش و نیز تا حدی با اوضاع اقتصادی - سیاسی و اجتماعی آن عصر آشنا گردند.





پیام بهارستان / ۲۵، ش ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱

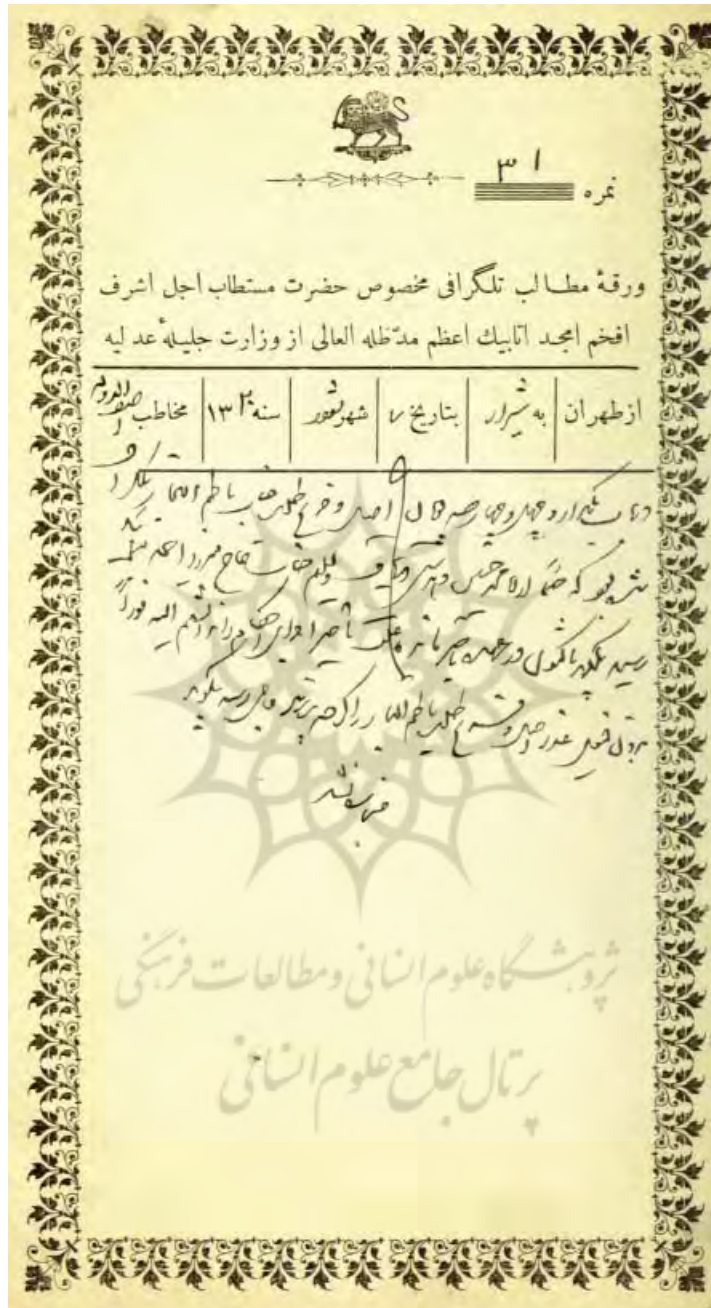
- تلگراف شماره ۲۶، از تهران به اصفهان، به تاریخ شهر شوال سنه ۱۳۲۰، مخاطب ظل السلطان، (درباره درگیری مستخدم اقبال الدوله با چند نفر).



• تلگراف شماره ۲۹، از تهران به رشت، به تاریخ شهر شوال سنه ۱۳۲۰، مخاطب به توسط کارگذار، (دربارهٔ املاک سردار معظم).



- تلگراف شماره ۳۰، از تهران به رشت، به تاریخ شوال سنه ۱۳۲۰، مخاطب مدحت السلطنه، (درباره املاک حاج علی آقا برای مصرف کارگذاری)

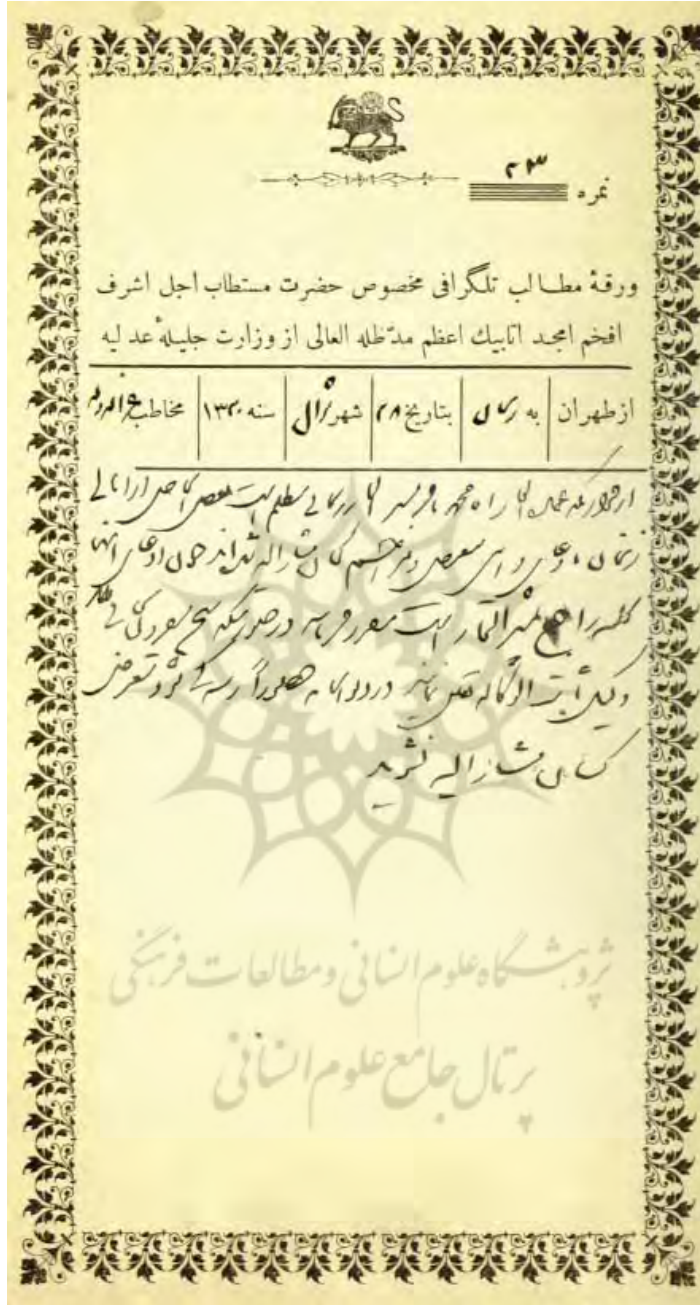


• تلگراف شماره ۳۱، از تهران به شیراز، ۷ شهر شوال سنه ۱۳۲۰، مخاطب آصف‌الدوله، (دربارۀ طلب ناظم التجار). مخابره نشد.



پیام بهارستان / ۲۵، س، ش، ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱

• تلگراف شماره ۳۲، از تهران به بوشهر، به تاریخ ۷ شهر شوال سنه ۱۳۲۰، مخاطب سالار معظم، (درباره مطالبه یکهزار و چهل و چهار تومان طلب ناظم التجار از محمدحسین دهدشتی). مخابره نشده است.



- تلگراف شماره ۳۳، از تهران به زنجان، به تاریخ ۲۸ شهر شوال سنه ۱۳۲۰، مخاطب عزالدوله، (در باره تظلم عمده التجار آقا محمد باقر).



پیام بهارستان / ۲۵، سنه، ش ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱

- تلگراف شماره ۳۷، از تهران به ارومیه، به تاریخ شهر شعبان سنه ۱۳۲۰، مخاطب سعدالسلطنه، (دربارۀ درگیری ملکی بین مکرّم السلطنه و میرزا لطیف و قبائل آن).



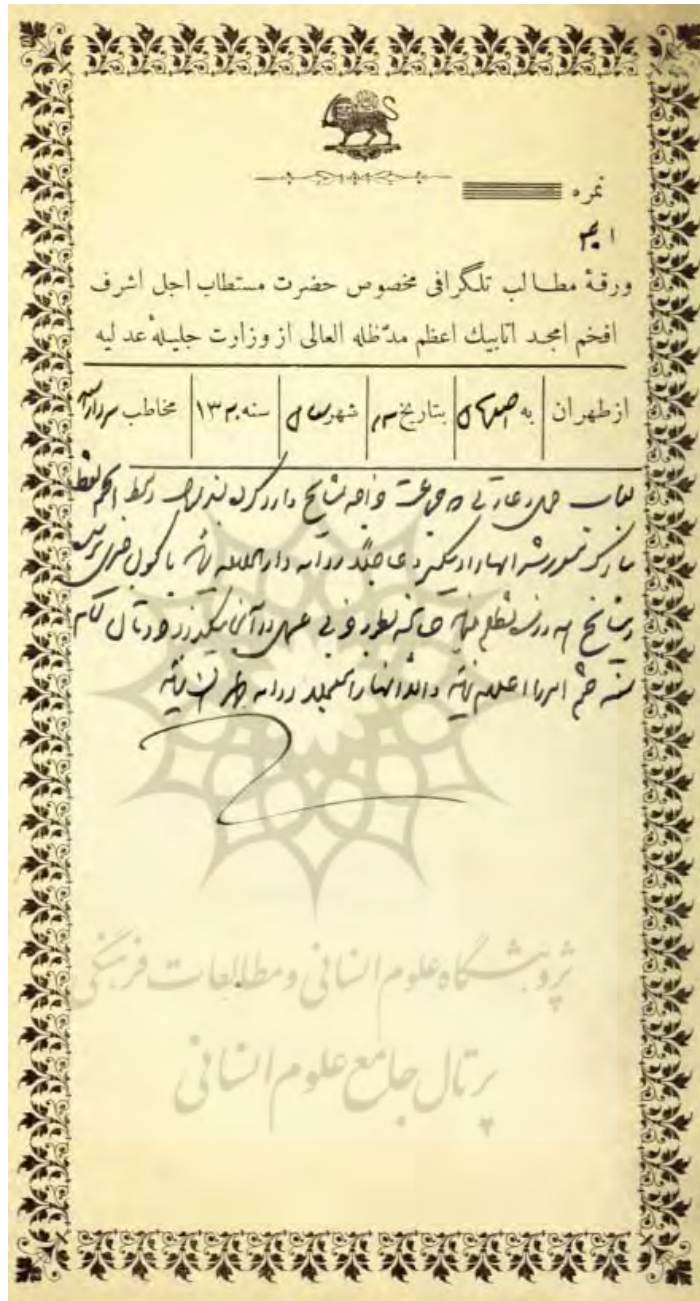
پیام بهارستان / ۲۵، سه، ش، ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱

- تلگراف شماره ۳۹، از تهران به بروجرد، به تاریخ ۲۹ شهر شعبان ۱۳۲۰، مخاطب حضرت والا عضدالسلطان، (درباره املاک و منقولان صمصام نظام).

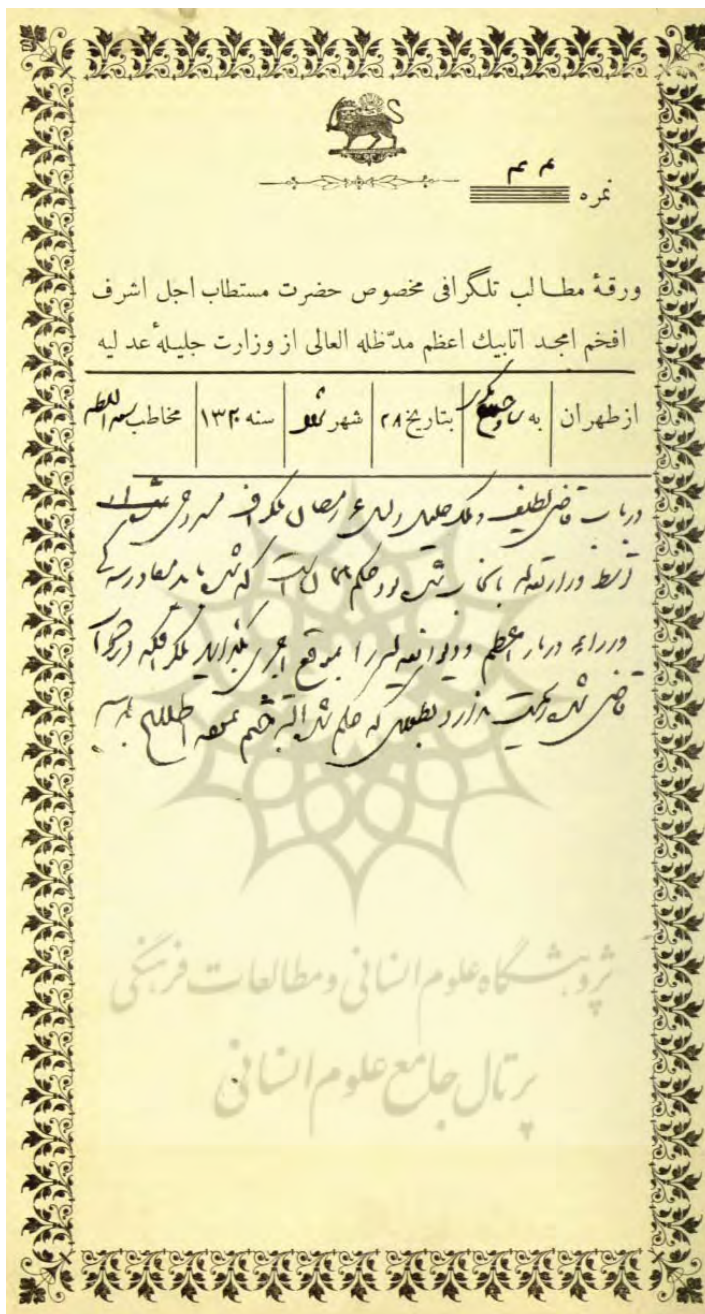


• تلگراف شماره ۴۰، از تهران به خمسه، به تاریخ شهر شعبان ۱۳۲۰، مخاطب عزالدوله،

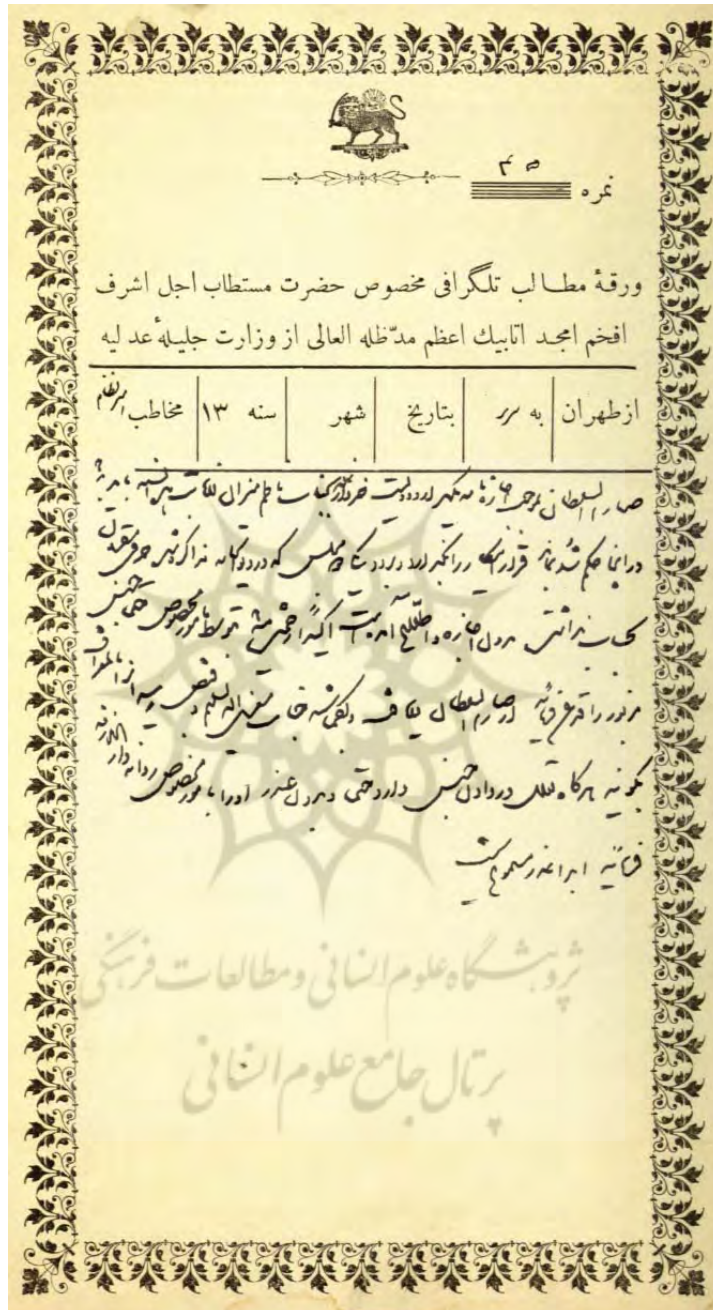
(درباره شیخ الاطبا).



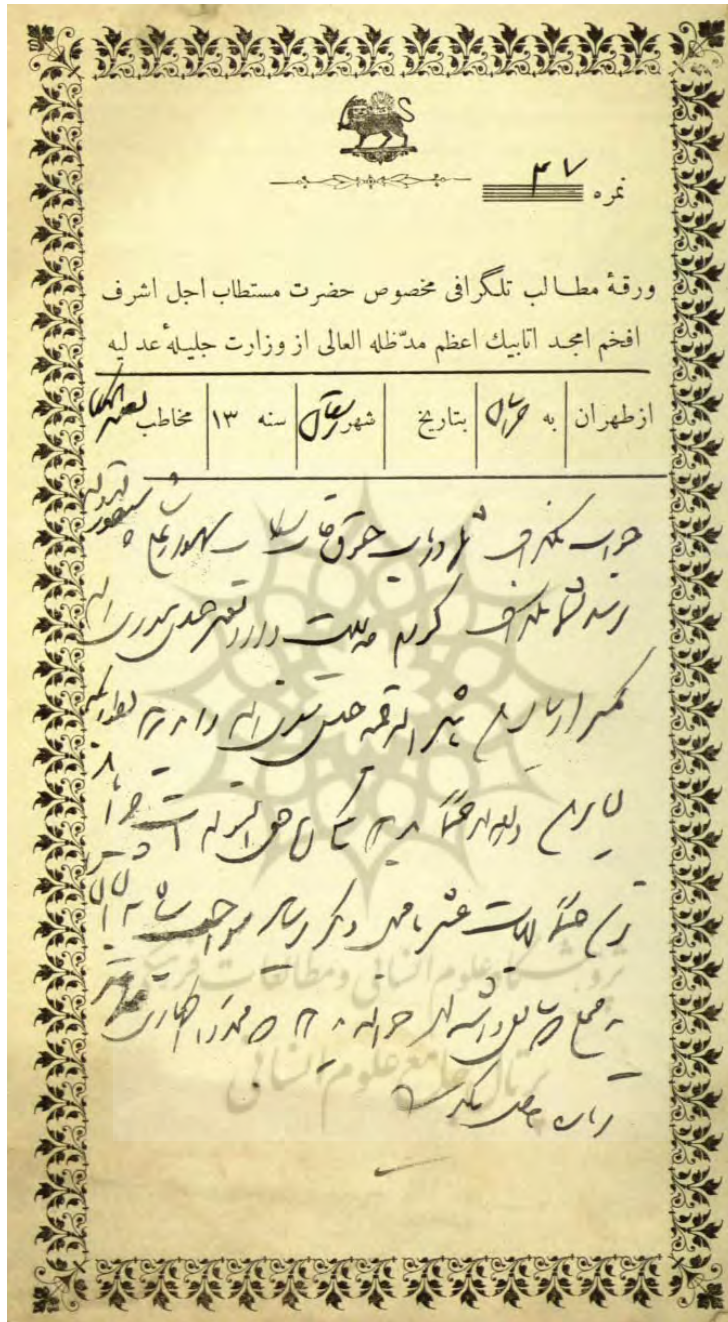
- تلگراف شماره ۴۱، از تهران به اصفهان، به تاریخ ۲۲ شهر شعبان سنه ۱۳۲۰، مخاطب سردار اسعد، (درباره تظلم مشایخ).



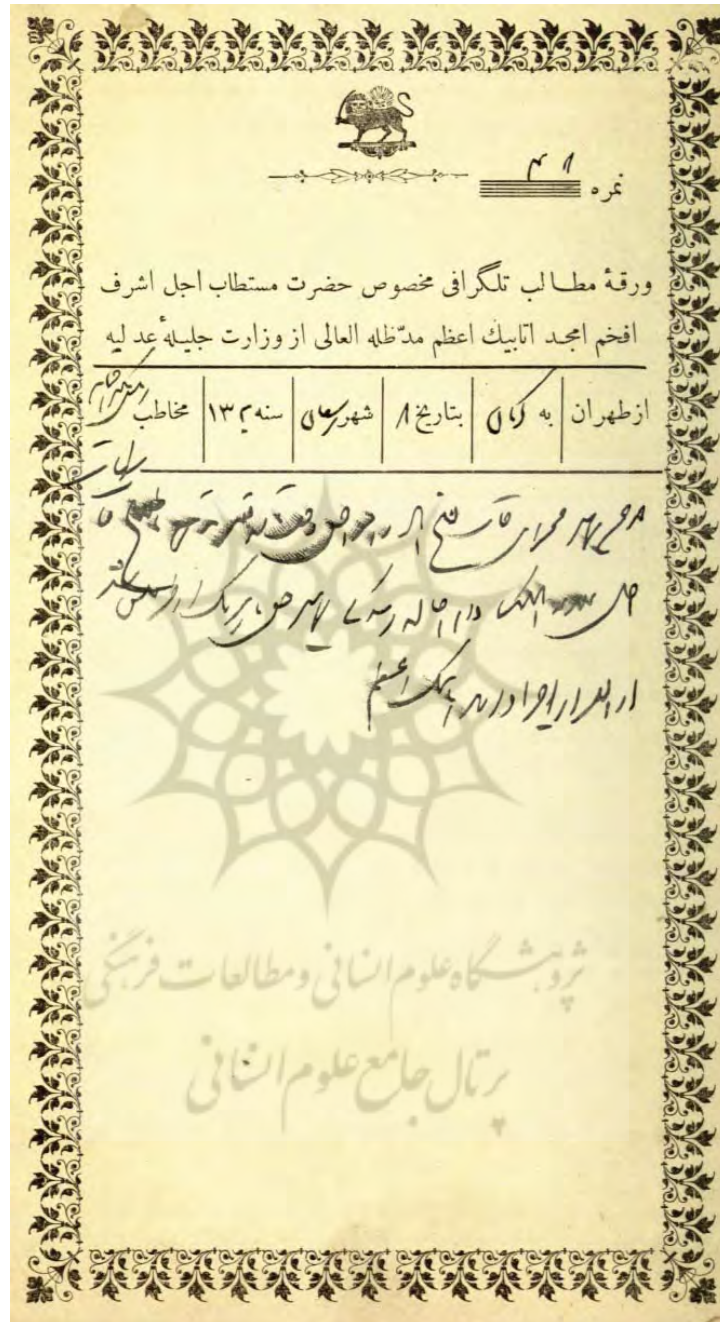
- تلگراف شماره ۴۴، از تهران به ساوجبلاغ مکرری، به تاریخ ۲۸ شهر شوال سنه ۱۳۲۰، مخاطب سعدالسلطنه، (درباره قاضی لطیف و ملک جلیل).



- تلگراف شماره ۴۵، از تهران به تبریز، به تاریخ... (ندارد) مخاطب امیر نظام، (درباره صارم السلطان و ناظم میزان).



- تلگراف شماره ۴۷، از تهران به خراسان، به تاریخ شهر رمضان سنه ۱۳۰۰، مخاطب بصیرالملک (یا نصیرالملک)، درباره حقوق جناب مستطاب مشهور؟! (علی).



• تلگراف شماره ۴۸، از تهران به کرمان، به تاریخ ۸ شهر رمضان سنه ۱۳۲۰، مخاطب رئیس تلگرافخانه (در باره علاء الملک). اتابک اعظم.



پیام بهارستان / ۲۵، ش ۱۸ / زمستان ۱۳۹۱